

گرفته برداری سطحی فوتبال ایران از یک فرمول موفق

اقتیانوسی



آیسان سعیدی
روزنامه نگار

حدود دو دهه قبل زاپین و کره جنوبی برنامه‌های بلندمدت را طرح‌ریزی کردند تا بتوانند مربیان بزرگی بسازند و البته سیستم و فرهنگ فوتبال خود را تغییر بدهند. زاپین رو به مربیان برزیلی آورد که بهترین آنها زیکو بود. حتی به تیم‌های باشگاهی حاضر در جی لیگ نیز فراخوان دادند تا در صورت امکان مربیانی از این کشور را استخدام کنند و از سیستم و روشی که تیم ملی زاپین استفاده می‌کند، در تمرینات و مسابقات خود بهره ببرند؛ اتفاقی که همزمان شد با تهیه و پخش کارتتون فوتبال‌لیست‌ها با بازیکنان مشهورش نظیر سوباسا و کاکرو. زاپین با این راهکار توانست روش جدیدی را به فوتبال خود تزریق کند و البته فرهنگ بازیکنان را نیز تغییر بدهد. بعدها دیدیم که چه اتفاقات مثبتی در فوتبال زاپین رخ داد. هم باشگاه‌ها توانستند به افتخارات بسیاری دست یابند و هم تیم ملی زاپین موفق شد.

این مسیر را در همسایه چشم بادامی‌ها یعنی کره جنوبی به شکل دیگری شاهد بودیم. آنها این دکترین را با فوتبال اروپا و

هلندی‌ها در فوتبال خود اجرا کردند. گاس هیدنک کبیر برچمدار این مسیر بود که انقلابی در فوتبال کره به پا کرد و آنها را به افتخار تاریخی حضور در جمع ۴ تیم پایانی جام رساند. آنچه یک آرزوی دست‌نیافتنی برای فوتبال آسیا و حتی آفریقا بود و تا به امروز هیچ کشوری از این دو قاره نتوانسته به آن دست پیدا کند. مکتب هلندی در فوتبال کره جنوبی با ادووکات و پیم وریبک ادامه یافت و فوتبال این کشور را به طور کامل هلندی کرد.

در فوتبال ایران با گرفته برداری ناقص از این الگوهای موفق در طول این دو دهه به شکل جسته و گریخته این مسیر را پیموه اما هرگز آن اثرگذاری که در نمونه‌های موفق نظیر کره و زاپین دیده‌ایم را در فوتبال ایران شاهد نبوده‌ایم. بار اول و اواخر دهه ۷۰ و در دهه ۸۰ شاهد اقبال گسترده به مربیان کروات بودیم که ویج‌ها فوتبال ایران را تحت سیطره خود درآوردند؛ مربیانی که تأثیرگذاری آنها در فوتبال ایران از بقیه مکتب‌ها بیشتر بوده و تا به امروز ادامه دارد. در دهه ۹۰ و با حضور کی‌روش و تحت تأثیر او نوبت به مربیان پرتغالی رسید تا در این فوتبال حکمرانی کنند اما جزیره پرتغالی‌ها در فوتبال ایران به‌رغم استیلای بیشتر و طولانی‌تر چندان عمیق

و اثرگذار نبود. در دو فصل اخیر اما فوتبال ایران به مکتب اسپانیایی‌ها روی آورده. حضور پاکوخمس یک مربی صاحب سبک و نامدار در ایران و تأثیری که او روی این فوتبال گذاشت، سبب شده تا پای اسپانیایی‌ها به فوتبال ایران باز شود. برای این فصل ایگناسیو در فولاد و حالا آلکاراس در نساجی به فوتبال ایران اضافه شده‌اند. برای اینکه تأثیرات این مکتب را در فوتبال ایران شاهد باشیم، باید بیش از اینها منتظر ماند تا این نگره و تفکر در فوتبال ایران جا بیفتند.

با این وجود این رویکرد در فوتبال ایران هرگز پایه و اساس درستی نداشته و با برنامه‌ریزی و بینش انجام نشده. در حقیقت ما یک گرفته برداری سطحی داشته‌ایم و همین سبب شده علاوه بر انتخاب‌های اشتباه و غلط، مربیان خارجی و مکتب خاص هرگز نتوانند تأثیر عمیق و شگرف خود را روی فوتبال ایران بگذارند.

برانکو به عنوان یکی از بازمانده‌های نسل ویج‌ها و البته موفق‌ترین آنها حالا در آستانه بازگشت دوباره پرسپولیس است و محاصره او در میان اسپانیایی‌های فوتبال ایران می‌تواند بسیار جذاب باشد. تقابل دو مکتب و دو فلسفه کاملاً متفاوت؛ یک کروات در میان اسپانیایی‌ها.

به عمیق یک وجب!



به جای برانکو و گل محمدی شاید یک اسپانیایی بلیت یک طرفه به ایران

اتفاقات این روزهای فوتبال کشورمان بخصوص در لیگ برتر فوتبال، نشان می‌دهد رخ دادن هر اتفاقی در این فوتبال قابل تصور است و ممکن است در حالی که تمام ذهن‌ها به سمت و سویی کشیده شده است، همان اتفاق در جای دیگر رخ دهد. این روزها بیشتر از هر زمانی و هر تیمی، صحبت سر نیمکت پرسپولیس است و به طور طبیعی بسیاری از هواداران این تیم منتظر تعیین تکلیف نیمکت تیم‌شان هستند. به طور طبیعی و با توجه به گذشته پرسپولیس و برانکو، حالا همه ذهن‌ها به سمت حضور دوباره برانکو ایوانکوویچ روی نیمکت پرسپولیس سوق داده می‌شود و خیلی هم بیراه نیست. به هر حال این سرمربی کروات، با حضور در پرسپولیس روزهای درخشانی را با این تیم رقم زد و حتی بعد از جدایی این سرمربی از جمع سرخپوشان، این تیم توانست با بنیان خوبی که برانکو بنا گذاشته بود، به موفقیت‌های دیگری نیز دست پیدا کند. اما اینکه چگونه برانکو به نیمکت پرسپولیس در آن سال‌ها رسید، خودش خودش داستانی دارد، برانکو در حالی هدایت سرخپوشان را در دست گرفت که در آن روزها، مربیان کروات بسیاری در لیگ برتر فوتبال کشورمان مشغول به کار بودند و حتی

بازیکنان زیادی هم از گرواسی راهی ایران شده بودند، در آن زمان علاقه‌مندی مربی کروات به حضور در ایران و البته تجربه کاری که برانکو با تیم ملی کشورمان داشت، این سرمربی را به سمت پرسپولیس سوق داد اما انگار حالا شرایط بسیار فرق می‌کند. همانطور که گفته شد در صورت جدایی قطعی گل محمدی، نزدیک‌ترین گزینه به نیمکت پرسپولیس، برانکو است اما اوضاع کاملاً متفاوت شده است و همین تفاوت در شرایط کنونی شاید، برانکو را هم از نیمکت پرسپولیس دور کند.

بیست و سومین دوره لیگ برتر فوتبال کشورمان در حالی آغاز شد که خیلی‌ها معتقدند این روزها جو غالب بر لیگ برتر از نظر حضور خارجی‌ها در این دوره از رقابت‌ها، مربوط به اسپانیایی‌ها است و گروه خاصی تلاش زیادی برای حضور بازیکنان و مربیان اسپانیایی در لیگ برتر دارند. حتی برخی‌ها پا فراتر گذاشته و معتقد هستند این موضوع به صورت سازماندهی شده انجام می‌شود و دست‌هایی پشت این داستان وجود دارد. حالا با این شرایط به نظر می‌رسد شرایط برای حضور برانکو نیز مهیا نیست، هرچند این سرمربی هم شرایط خوبی برای حضور مجدد ندارد و قرارداد او با تیم ملی عمان نیز مانع بزرگی خواهد بود. این روزها لیگ برتر فوتبال کشورمان به سمت استقبال از اسپانیایی‌ها پیش می‌رود و بلیت‌های یک طرفه زیادی از سمت اسپانیا به سمت کشورمان آماده شده است که احتمالاً جایی برای کروات‌ها بخصوص برانکو نخواهد بود.

برانکو در حضور مربیان اسپانیایی به موفقیت می‌رسد؟ پروفیسور در مقابل تیکی تاکا

در آن موفق بود، یحیی گل محمدی است؛ مربی‌ای که محوریت کارش در بازی‌های پرسپولیس مالکیت توپ و بازی هجومی بود. حالا اما با رفتن یحیی، یکی از گزینه‌های اصلی هدایت این تیم برانکو ایوانکوویچ است. مربی‌ای که دوران بسیار موفقی را در دوره قبلی حضورش روی نیمکت قرمزها سپری کرد که هفت قهرمانی در لیگ برتر، جام حذفی و سوپر جام و همچنین رسیدن به فینال لیگ قهرمان آسیا حاصل آن بود.

مربی‌ای که او هم به فوتبالی زیبا و هجومی علاقه دارد که البته متفاوت از تیکی تاکاست.

آن چیزی که پروفیسور را نسبت به سایر مربیان متمایز می‌کند، شناخت دقیقی است که او از سال‌های زیاد حضور در فوتبال ایران دارد. او مربیان تیم‌های مختلف و بازیکنان را می‌شناسد و همین موضوع می‌تواند به یکی از عوامل موفقیت احتمالی او باشد. حالا باید دید این برانکو است که باز هم بر این فرضیه قوت می‌بخشد که مربیان کروات در فوتبال ایران سازگارتر هستند یا اینکه زمان سلطه مربیان اسپانیایی فرارسیده است، باید منتظر بود و دید.

نبود و لوکاس آلکاراس سرمربی نساجی شد که تاکنون یک بخت و یک مساوی داشته و نمی‌توان هنوز توپ و بازی هجومی بود. حالا اما با رفتن یحیی، یکی از گزینه‌های اصلی هدایت این تیم برانکو ایوانکوویچ است. مربی‌ای که دوران بسیار موفقی را در دوره قبلی حضورش روی نیمکت قرمزها سپری کرد که هفت قهرمانی در لیگ برتر، جام حذفی و سوپر جام و همچنین رسیدن به فینال لیگ قهرمان آسیا حاصل آن بود.

مربی‌ای که او هم به فوتبالی زیبا و هجومی علاقه دارد که البته متفاوت از تیکی تاکاست.

آن چیزی که پروفیسور را نسبت به سایر مربیان متمایز می‌کند، شناخت دقیقی است که او از سال‌های زیاد حضور در فوتبال ایران دارد. او مربیان تیم‌های مختلف و بازیکنان را می‌شناسد و همین موضوع می‌تواند به یکی از عوامل موفقیت احتمالی او باشد. حالا باید دید این برانکو است که باز هم بر این فرضیه قوت می‌بخشد که مربیان کروات در فوتبال ایران سازگارتر هستند یا اینکه زمان سلطه مربیان اسپانیایی فرارسیده است، باید منتظر بود و دید.

حامد جبرودی
روزنامه نگار

یکی از اتفاق‌هایی که در دو فصل اخیر در فوتبال ایران رخ داده، حضور مربیان اسپانیایی در تیم‌های لیگ برتری است. اولین ماتادوری که به عنوان سرمربی به کشورمان آمد، پاکوخمس بود که از هفته دوازدهم فصل گذشته به جای قربان بردیف روی نیمکت تراکتور نشست. مربی جسور و خوش‌فکری که توانست تی‌تی‌ها را روی سکوی چهارم قرار دهد و حالا هم همین رده را در پایان نیم‌فصل برای سرخپوشان تبریزی حفظ کرده است. مدتی پس از این مربی، هموطن او یعنی کارلوس هرناندز سرمربی نساجی شد که در این تیم یک‌ناکم مطلق بود و در پایان فصل، ایران را ترک کرد. اما حضور مربیان اسپانیایی در این فصل هم ادامه پیدا کرد و فولادی‌ها پس از قطع همکاری با علیرضا منصوریان، خوان ایگناسیو مارتینز را روی نیمکت خود نشان دادند. مربی که در ۱۱ بازی که آنچنان موفق نبود و تنها چهار برد به دست آورد اما این پایان کار مربیان اسپانیایی